

واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران

علی حمیدی زاده*

استادیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵)

چکیده

نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است افول سرمایه اجتماعی پدیده‌ای فراگیر است و اغلب کشورهای دنیا به آن دچار شده‌اند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی انجام گرفته است. به این منظور در پژوهش کیفی حاضر، ۱۲ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه و هشت نفر از شهروندان به‌عنوان نمونه و با روش هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه و گروه کانونی بود. داده‌های جمع‌آوری شده با روش تحلیل تم تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد در مجموع، ۹۴ عامل در افول سرمایه اجتماعی اثرگذارند. عوامل شناسایی شده در قالب چهار بعد، شامل ابعاد اجتماعی (۴۴ عامل)، سیاسی (۲۸ عامل)، اقتصادی (۱۵ عامل) و فناورانه (۱۰ عامل) طبقه‌بندی شدند. در بین عوامل شناسایی شده، افزایش فردگرایی با هفت تکرار، و ضعف در عملکرد مدیران با شش تکرار، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر افول سرمایه اجتماعی شناسایی شدند.

کلیدواژگان

سرمایه اجتماعی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل فناورانه.

مقدمه

امروزه کارشناسان توسعه بر این باورند که سرمایه اجتماعی مایه و پایه اصلی توسعه هر کشور است. سرمایه اجتماعی ماهیتی ظریف و حساس دارد، به تدریج تکوین می‌یابد، به‌کندی سرعت می‌گیرد و اگر خوب ادراک و احیا نشود، به سرعت کاسته می‌شود. سرمایه اجتماعی جامعه را به بقا، همبستگی و اهداف مشترک رهنمون می‌کند. آنچه اهمیت سرمایه اجتماعی را دوبرابر می‌کند، این است که در غیاب آن، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند (زارعی‌متین و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۳). در کشوری که حکومتی کارآمد و سطوح متعالی سرمایه اجتماعی دارد، دولت و جامعه مکمل یکدیگرند و در رویارویی با چالش‌های پیش رو به یاری یکدیگر می‌شتابند. سطوح مناسب سرمایه اجتماعی، سبب رشد آگاهی در سطح جامعه و مسئولیت‌پذیری افراد شده، و موجب انسجام بیشتر، کاهش جنایات و کاهش کنترل رسمی شهروندان می‌شود. در واقع، هنجارهای درونی شده که از طریق جامعه‌پذیرکردن افراد شکل گرفته است، از سویی، باعث کاهش هزینه‌های دولتی؛ و از سوی دیگر، باعث تقویت رابطه مردم و دولت می‌شود (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰، ص ۴۶). علی‌رغم اینکه درباره منافع و مزایای سرمایه اجتماعی اتفاق نظر وجود دارد، پژوهش‌های مختلف چه در سطح داخلی (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵؛ عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۵؛ Bartolini & Sarracino,) و چه در سطح بین‌المللی (Putnam, 1995 Paxton, 1999; 2015; Clark, 2015; Olken, 2009; Domenichini, 2007; نشان می‌دهند در کشورهای مختلف از جمله ایران، با افول این سرمایه مواجهیم. از آنجا که میزان این سرمایه به‌طور ملموس برای سیاست‌ورزان مشاهده‌شدنی نیست، تا کنون توجه کافی به این مسئله نشده است و به نظر می‌رسد در صورت تداوم بی‌توجهی به این سرمایه ناملموس، روند رو به کاهش آن همچنان ادامه خواهد یافت. علاوه بر بی‌توجهی سیاستمداران و کارگزاران، جامعه علمی در ایران نیز موضوع افول سرمایه اجتماعی را باقوت بررسی نکرده‌اند و عمده پژوهش‌های داخلی انجام گرفته معطوف به سنجش سرمایه اجتماعی و بررسی میزان افول آن بوده، و تلاش چشمگیری برای واکاوی دلایل و چرایی این افول، انجام نگرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی

پیشایندهای افول سرمایه اجتماعی انجام گرفته است و در پی پاسخ به این پرسش است که چرا سرمایه اجتماعی در ایران افول کرده است؟

مبانی نظری پژوهش

منشأ تاریخی سرمایه اجتماعی

دربارهٔ رديایی ریشه‌های نظری سرمایه اجتماعی، دورکهم (۱۹۸۴) از اولین اندیشمندانی است که بر اهمیت زندگی گروهی به‌عنوان جبران‌کنندهٔ تخریب‌های ناشی از ناهنجاری‌ها تأکید کرده است. در حقیقت، معنای امروزی سرمایه اجتماعی بسط‌یافتهٔ این مفهوم ریشه‌ای است. کارل مارکس (۱۹۶۷) به اهمیت انسجام تأکید کرد. پیوستگی و همراهی، از زندگی در شرایط و موقعیت‌های مشابه ریشه می‌گیرد. به زعم مارکس، انسجام از طریق هنجارهایی ترغیب نمی‌شود که افراد در خلال رشد، آن‌ها را درونی می‌کنند و نیز آموزش‌دانی نیست. در عوض، انسجام جنبشی است که در موقعیت‌هایی اضطراری ریشه دارد؛ موقعیت‌هایی که در آن‌ها افراد به دنبال سرنوشت مشترک‌اند، با یکدیگر هویت کسب کرده، و از ابتکار عمل همدیگر حمایت می‌کنند. مشابه مارکس، لیدا جودسن هانی‌فان^۱ (۱۹۲۰) سرمایه اجتماعی را جوهرهٔ ملموسی می‌داند که در زندگی روزمرهٔ افراد جریان دارد. به اعتقاد او جوهرهٔ ملموس از نیت خوب، تعاملات بین افراد و خانواده‌ها، دوستی، معاشرت و گردهم‌آمدن در جمع‌های اجتماعی تشکیل شده است. اگرچه لفظ سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی ابداعی توسط افرادی مختلف مانند هانی‌فان، جین جاکوبز^۲ و گلن لوری^۳ مطرح شد، این مفهوم توجه سایر صاحب‌نظران را جلب نکرد و برای مدت زمان زیادی بدون توجه ماند.

1. Lyda Judson Hanifan

2. Jane Jacobs

3. Glenn Loury

سرمایه اجتماعی

ایده سرمایه اجتماعی، در مجموعه تاریخی ایده‌های مرتبط با شکل‌های مختلف سرمایه قرار گرفته است. ابتدا مفهوم سرمایه فیزیکی معرفی شد تا روش‌هایی تبیین شود که ابزار و ماشین‌آلات، تولید اقتصادی را تسهیل می‌کنند. سپس، بیکر (۱۹۹۰) مفهوم سرمایه انسانی را مطرح کرد؛ که در آن افراد از طریق آموزش و توسعه شغلی این امکان را در خود ایجاد می‌کنند تا تولید را تسهیل کنند. سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی جدیدتر، تصریح می‌کند که برخی روابط اجتماعی (برای مثال شبکه‌های متراکم، و هنجارهای متقابل) هم می‌توانند تولید را تسهیل کنند. علاوه بر این، با معرفی سرمایه اجتماعی، محققان آغازکننده این بحث بودند که کارایی از طریق کالاهای غیراقتصادی نیز به دست می‌آید.

مفهوم سرمایه اجتماعی توسط دو جامعه‌شناس، بوردیو^۱ (۱۹۸۶) و کلمن (۱۹۸۸)، معرفی شد. نویسندگان دیگری از رشته‌های مختلف نیز این مفهوم را به کار گرفتند. بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالقوه یا بالفعلی می‌داند که با عضویت در شبکه پایایی از روابط کم‌وبیش نهادینه شده از آشنایی یا شناخت متقابل به دست می‌آید. به نظر کلمن، سرمایه اجتماعی ارزش جنبه‌ای از ساختار اجتماعی است که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا آن‌ها بتوانند به اهداف و منافع خود دست یابند. پوتنام نیز یکی دیگر از محققان اخیر سرمایه اجتماعی است، او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید عمده او بر مفهوم اعتماد بود.

همان‌طور که بیان شد، افراد با دیدگاه‌های مختلف سرمایه اجتماعی را تعریف کرده‌اند؛ از این رو، تعریف‌های مختلفی از این مفهوم وجود دارد. تفاوت‌هایی که گاهی اساسی و عمیق‌اند. این تفاوت‌ها سه دسته‌اند، که عبارت‌اند از:

1. Bourdieu

۱. تفاوت براساس مزایا و دستاوردهای اصلی: برخی منفعت عمومی را دستاورد سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند (Fukuyama, 1996; Coleman, 1990)، و برخی دیگر معتقدند افراد به‌طور مستقیم از سرمایه اجتماعی برخوردار می‌شوند (Belliveau, 1996; Burt, 1992)؛

۲. تفاوت براساس کارکردهای هنجاری: در تعریف‌های مختلف، سرمایه اجتماعی عنصر ایجاد و حفظ تعاملات اجتماعی معرفی شده است و در هر تعریف برای شدت، فراوانی و کارایی آن، دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوت وجود دارد؛

۳. تفاوت براساس سطح تحلیل: محققان برای تشریح سرمایه اجتماعی از سطوح تحلیل متفاوتی بهره می‌برند. برای نمونه فوکویاما (۱۹۹۶) سرمایه اجتماعی را ویژگی ملت‌ها یا نواحی جغرافیایی، پونتام آن را ویژگی اجتماع‌ها، برت آن را ویژگی شبکه‌های فردی و بیکر آن را ویژگی سازمان‌ها در تعاملاتشان با سازمان‌های دیگر، و بلیویو و همکارانش (۱۹۹۶) سرمایه اجتماعی را ویژگی عاملان فردی می‌دانند.

در پژوهش حاضر، سرمایه اجتماعی در سطح کلان در نظر گرفته شده است و از آن به‌عنوان ویژگی یک جامعه یاد می‌شود.

افول سرمایه اجتماعی

در جامع‌ترین ارزیابی، مؤسسه لگاتوم^۱ از سال ۲۰۰۷ سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های کامیابی در کشورهای دنیا می‌سنجد. این شاخص امکان مقایسه و رتبه‌بندی کشورها را براساس میزان سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند، که در ۱۵۰ کشور ارزیابی شده است.

جدول ۱. رتبه سرمایه اجتماعی ایران در دنیا

سال	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
رتبه در دنیا	۸۳	۹۶	۹۸	۱۰۳	۶۰	۶۰	۵۴	۶۵	۷۴	۷۴	۷۰

منبع: Legatum, 2017

اگرچه رتبه ایران در سال ۲۰۱۷ اندکی نسبت به سال قبل بهبود یافته است، وضعیت کلی آن در دنیا مناسب نیست، بهترین وضعیت ایران مربوط به سال ۲۰۱۳ است که رتبه ۵۴ در این سال، طی سه سال بعد روند افزایشی را نشان می‌دهد و بدترین رتبه نیز به سال ۲۰۱۰ تعلق دارد که در این سال ایران جایگاه ۱۰۳ را در جهان کسب کرده است. مقایسه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران با کشورهای خاورمیانه نیز وضعیتی مشابه دارد. در سال ۲۰۱۷، ایران در بین ۲۰ کشور خاورمیانه، رتبه دهم را به خود اختصاص داد که این وضعیت نیز چندان رضایت‌بخش نیست (Legatum, 2017).

علاوه بر بررسی‌های بین‌المللی، تحقیق‌های داخلی زیادی پیرامون وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام گرفته است. در برخی پژوهش‌ها، سرمایه اجتماعی با شاخص‌های عینی سنجیده می‌شود؛ از جمله درصد تعداد چک‌های برگشتی (انعکاسی از بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی به یکدیگر)، تلفات جاده‌ای (انعکاسی از رعایت نکردن قوانین و مقررات) و میزان جرم و جنایت (انعکاسی از قانون‌شکنی). تعداد چک‌های برگشتی از ۹۳/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۸۰/۱۱ درصد در سال ۱۳۹۱ و ۱۵/۸ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است که می‌تواند نشان‌دهنده افزایش بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و در نتیجه، کاهش سطح سرمایه اجتماعی در کشور طی این سال‌ها باشد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰، ص ۴۲). به‌کارگیری این استنباط‌ها برای تبیین افول سرمایه اجتماعی خالی از انتقاد نیست و در نظر نگرفتن اثر سایر متغیرها بر این شاخص‌ها، از تردیدهای جدی است که می‌تواند بر این تبیین وارد باشد.

بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی به صورت پیمایشی و در قالب طرح ملی (در ۳۰ استان با حجم نمونه ۱۳۸۴۳ نفر) نیز انجام گرفته است. دور اول این طرح در سال ۱۳۸۳ انجام گرفته، و نتایج نشان داده است سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت پایین رو به متوسط دارد (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶). دور دوم طرح ده سال بعد و در سال ۱۳۹۳، مشابه دور قبل، در سطح ملی (۳۱ استان با حجم نمونه ۱۴۳۸۷ نفر) انجام گرفت.^۱ پیمایش دور اول در سطح شهری، و دور دوم در

۱. برگرفته از گزارش اجرای طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور، نمایه پژوهش، دوره جدید، سال ۱، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴.

سطح شهری و روستایی انجام گرفت. همچنین، نتایج نشان داد در سطح میانی و به‌ویژه خرد، ارزش‌های اخلاقی، افت زیادی داشته است. همان‌طور که مشخص شد، درباره افول سرمایه اجتماعی در جامعه علمی و پژوهشی ایران اتفاق نظر وجود دارد. مطالعات آینده‌پژوهانه نیز بر این وضعیت نامطلوب صحنه می‌گذارد. شناسایی مسائل و چالش‌های مهمی که کشور با آن‌ها روبه‌روست، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی به لحاظ اهمیت در سال ۱۳۹۴، و در رده سوم و در سال ۱۳۹۶ در رده ششم مسائل و چالش‌های مهم ایران قرار دارد (آینده‌بان، ۱۳۹۶)، که ضرورت توجه به آن را دو برابر کرده است.

پیشینه پژوهش

برخلاف اینکه به موضوع سرمایه اجتماعی توجه زیادی شده است و طی چند سال گذشته، پژوهش‌های زیادی پیرامون آن انجام گرفته است، بررسی چرایی افول آن، کمتر مورد اقبال پژوهشگران داخلی قرار گرفته و از این حیث، پیشینه تجربی قوی، در دسترس نیست. از معدود پژوهش‌های موجود در ایران می‌توان به مقاله دینی ترکمانی (۱۳۸۵) با عنوان «تبیین افول سرمایه اجتماعی» اشاره کرد. در پژوهش یادشده، افول سرمایه اجتماعی در نحوه رابطه عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر بررسی شده است. عبداللهی و موسوی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان گذار»، یافته‌های حاصل از سنجش وضعیت سرمایه اجتماعی در پروژه‌ای ملی را بیان کردند. برخلاف پژوهش‌های داخلی، افول سرمایه اجتماعی در سطح بین‌المللی، مورد توجه و اقبال زیادی قرار گرفته است. مقاله رابرت پوتنام (۱۹۹۵) با عنوان «بازی بولینگ در تنهایی: سقوط سرمایه اجتماعی در آمریکا» از مهم‌ترین مقالات در این زمینه است. مقاله‌ای که توجه پژوهشگران در سراسر دنیا را به موضوع افول سرمایه اجتماعی معطوف کرده، و در شکل‌گیری موجی از توجه به موضوع افول، نقشی انکارناپذیر ایفا کرده است. مقاله‌ای با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی در آمریکا رو به افول است؟ ارزیابی با شاخص‌های چندگانه» مشابه مقاله پوتنام به افول سرمایه اجتماعی در آمریکا پرداخته است. در مقاله یادشده شاخص‌های متعدد برای سرمایه اجتماعی شناسایی شده و داده‌های مربوط

به بازه زمانی ۲۰ ساله جمع آوری شده است. به اعتقاد پژوهشگر، ادعای پوتنام مبنی بر افول سرمایه اجتماعی در آمریکا صحیح نیست و یافته‌ها فقط کاهش در برخی شاخص‌های عمومی را نشان می‌دهند (Paxton, 1999). «فهم افول سرمایه اجتماعی» نیز عنوان پژوهش دیگری است که مانند مقاله قبلی سعی دارد ادعای افول سرمایه اجتماعی را بررسی کند. نتایج بررسی شاخص‌های متعدد در بازه زمانی سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۸، افول سرمایه اجتماعی در آمریکا را چندان زیاد نمی‌داند (Costa & Kahn, 2003). «سرمایه اجتماعی در جامعه نوین: افول یا تغییر» عنوان پژوهشی است که در آن، ابتدا به افول سرمایه اجتماعی و مقایسه دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن پرداخته، سپس، نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را با محوریت عوامل اقتصادی تبیین کرده است (Domenichini, 2007). پژوهش دیگری در روستاهای اندونزی انجام گرفته است و در آن به نقش تلویزیون و رادیو در تخریب سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. نتایج پژوهش یادشده نشان داده است کسانی که ساعات بیشتری صرف تلویزیون و رادیو می‌کنند، در سطح پایین‌تری از سرمایه اجتماعی قرار دارند (Olken, 2009). «بازاندیشی افول سرمایه اجتماعی» عنوان مقاله‌ای است که در آن برخلاف پژوهش‌های قبلی که در سطح خرد، عوامل فردی و در سطح کلان، شرایط اقتصادی را عامل افول می‌دانند، ریشه افول را تغییرات نسلی در نظر گرفته است (Clark, 2015). «بخش تاریک رشد چین: افول سرمایه اجتماعی و بهزیستی در زمان بمب اقتصادی» عنوان پژوهش براتولینی و ساراچینو (۲۰۱۵) است. به زعم آنان، افزایش گرایش چینی‌ها به ارزش‌های ماتریالیستی، عامل افول سرمایه اجتماعی در این کشور طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ بوده است (Bartolini & Sarracino, 2015). «روند سرمایه اجتماعی در کانادا» نیز پژوهشی جامع پیرامون وضعیت سرمایه اجتماعی است که به تفصیل با بررسی شاخص‌های متعدد، روند سرمایه اجتماعی را از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ در این کشور بررسی کرده است. طبق این پژوهش، به‌طور کلی تغییراتی محسوس در سرمایه اجتماعی مشاهده نشده و وضعیت سرمایه اجتماعی طی این چند سال، بهبود یافته است. نتیجه پژوهش یادشده با نتایج سایر پژوهش‌ها در کشورهای دیگر، متفاوت است. از معدود شاخص‌هایی که در این کشور کاهش یافته، دیدار با دوستان است که علت این اتفاق نیز تغییر ماهیت ارتباطات به‌واسطه تکنولوژی‌های نوین بیان شده است (Turcotte, 2015).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، و با رویکرد کیفی، مبتنی بر تحلیل تم انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها دو ابزار مصاحبه و گروه کانونی به کار گرفته شد. جامعه مورد پژوهش اعضای هیئت علمی دانشگاه و شهروندان با مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد بودند. به روش هدفمند، ۱۲ نفر به عنوان نمونه از اعضای هیئت علمی انتخاب شدند. کفایت و اشباع داده‌ها ملاک تعیین تعداد پاسخگویان در این بخش بود. در جدول ۲، خلاصه‌ای از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه هیئت علمی بیان شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای هیئت علمی

دانشگاه	دولتی	غیردولتی	
	۱۱	۱	
سابقه خدمت	کمتر از ۱۰ سال	۱۰ تا ۲۰ سال	بیش از ۲۰ سال
	۹	۲	۱
مرتبه علمی	استادیار	دانشیار	استاد
	۸	۳	۱

گروه کانونی نیز روش دیگری برای جمع‌آوری داده است که در این پژوهش به کار گرفته شده است. گروه کانونی روشی برای تبادل افکار و مذاکره است که طبق یک برنامه‌ریزی دقیق طراحی می‌شود تا ادراک و بینش مصاحبه‌شوندگان را در محیطی به دور از تهدید و فشار بسنجد. تعداد ۶ تا ۱۲ نفر برای شرکت در این روش توصیه می‌شود که در این پژوهش ۸ نفر از شهروندان بدین منظور انتخاب شدند. ملاک انتخاب شهروندان نیز داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد، آشنابودن با مفهوم سرمایه اجتماعی و داشتن سابقه پژوهش در این زمینه بود.

برای بررسی پایایی دو روش پایایی دوکدگذار و پایایی بازآزمون به کار گرفته شد. به منظور محاسبه پایایی بین دو کدگذار، سه مصاحبه انتخاب شد و توسط یک متخصص دوباره کدگذاری شد. درصد توافقات درون‌موضوعی محاسبه شده برابر با ۸۴ درصد است. این میزان بالاتر از ۶۰ درصد، یعنی بالاتر از حد قابل قبول برای پایایی است.

به منظور ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر، پایایی بازآزمون بررسی شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون، از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، سه مصاحبه انتخاب شد و هر یک از آن‌ها در فاصله زمانی ۱۰ روزه توسط پژوهشگر، دوباره کدگذاری شد. پایایی بازآزمون برابر با ۸۷ درصد به دست آمد، این میزان بالاتر از ۶۰ درصد است که به عنوان حد قابل قبول برای تأیید پایایی بازآزمون در نظر گرفته می‌شود.

$$\frac{\text{تعداد توافقات } 2 \times}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100 = \text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات } 2 \times}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100 = \text{درصد توافقات درون موضوعی}$$

از جمله استراتژی‌های به کار گرفته شده در پژوهش حاضر برای اعتباریابی، استراتژی ممیزی بیرونی^۱ است. بدین منظور یک متخصص آشنا با موضوع سرمایه اجتماعی تأیید کرد که یافته‌ها، تفسیر و نتیجه‌گیری پژوهش، توسط مبانی نظری حمایت می‌شوند. استراتژی دیگر برای اعتباریابی، روش کنترل اعضا^۲ است؛ بدین صورت که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان برای برقراری اطمینان‌پذیری یافته‌ها و تفسیرها بهره گرفته شد. تم‌های اولیه استخراج شده در اختیار دو عضو هیئت علمی قرار داده شد، که آن‌ها در مصاحبه‌ها مشارکت داشتند، و با توجه به نظر آن‌ها، تم‌ها دوباره بازبینی و جرح و تعدیل شد.

یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها تحلیل تم انجام گرفت. فرایند تحلیل تم با الگو قراردادن نظر براون و کلارک، در چهار مرحله آشنا شدن با داده‌ها، برچسب‌زنی داده‌ها، طبقه‌بندی تم‌های فرعی، و مشخص کردن تم‌های اصلی انجام گرفت (Braun & Clarke, 2006, p.78). در جدول ۳، چند مورد از کدگذاری‌ها برای نمونه بیان شده است.

-
1. External audits
 2. Member checking

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری‌ها

کد	متن مصاحبه
تمایل به پیشرفت سریع	مردم باورهایشان فرق کرده است، دهه شصت باور این بود که اگر من آسیب ببینم، ایراد ندارد، بگذار کشور آسیب نبیند. الان بچه زرنگ کسی است که یک شبه ره صدساله را طی کند. موفقیت‌های مالی ملاک اصلی قرار گرفته است.
افزایش تنوع و انتظارات	در کشور ما گردش مالی خوب است. وضعیت اقتصادی در مقایسه با سال‌های پیش بهتر شده است اما نمی‌توانیم این بهبود را در زندگی افراد حس کنیم. چرا؟ چون انتظارات افزایش یافته است. جالب اینجاست که سرعت افزایش انتظارات از سرعت افزایش درآمدها بیشتر بوده و همین باعث به‌وجود آمدن مشکل شده است.

با تحلیل تم مصاحبه‌ها و گروه کانونی، در مرحله اول، ۱۴۷ کد استخراج شد که با پالایش و حذف موارد تکراری، در نهایت، ۹۴ کد ملاک طبقه‌بندی قرار گرفت. از این تعداد، عوامل اجتماعی ۴۴ کد، عوامل سیاسی ۲۸ کد، عوامل اقتصادی ۱۵ کد، و عوامل فناورانه ۱۰ کد را به خود اختصاص دادند. در ادامه، نتایج تحلیل تم در قالب جدول‌های ۴، ۵، ۶ و ۷ بیان شده است:

جدول ۴. عوامل اجتماعی افول سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کد	نشانگان مصاحبه
عوامل اجتماعی	ذهنی	احساس بی‌عدالتی	I22, K2
		استقلال‌طلبی فردی	B4, L8
		افزایش بدبینی در جامعه	A8, E19, K4
		افزایش احساس فقر	E6
		افزایش بی‌رویه مشغله‌های زندگی	I27
		افزایش تجردگزینی	E14
		افزایش توقع و انتظارات	E4, I23, C8
		بدبینی نسبت به سیاستمداران	B15, M3
		تضعیف روحیه جمع‌گزینی	F6
		تضعیف روحیه خیرخواهی در جامعه	C15
		تقویت فرهنگ منفعت‌طلبانه در جامعه	C20
		تمایل به پیشرفت سریع	B3

ادامه جدول ۴. عوامل اجتماعی افول سرمایه اجتماعی

نشانگان مصاحبه	کد	تم فرعی	تم اصلی
I31	توجه افراطی به فرهنگ بیگانه		
I24	جابجایی ارزش (تبدیل ضدا ارزش به ارزش)		
B2, J6, B1	خودمحوری		
C3, E7	ضعف بنیان خانواده		
D5, C1, I21	ضعف در سیستم آموزشی		
C4	ضعف رسانه‌ها		
C2	ضعف نهادهای مذهبی		
I25	ظهور الگوهای ضدا ارزشی		
A7	نبود تقارن اطلاعاتی (بین مردم و دولت)		
C10	بی‌توجهی به اولویت‌ها		
I28	افول سلامت روانی جامعه		
I18, M4	فاصله گرفتن از آرمان‌ها		
A3, L3	کاهش اعتقاد به معاد		
I33	کاهش امید به آینده		
I19	کاهش توجه به اخلاقیات در جامعه		
A2, I26	کاهش سطح دینداری		
F10	نارضایتی اقلیت‌ها		
I30	افزایش آپارتمان‌نشینی		
E10, I20	افزایش دروغ‌گویی در جامعه		
E13	افزایش طلاق		
F5, C11, A1, G5, J4, K5, F8	افزایش فردگرایی		
E9	افزایش هزینه‌های دیدوبازدید جمعی		
F11	برهم خوردن ترکیب جمعیتی		
F9	تسهیل شدن امکان مهاجرت		
C7, K9	تغییر سبک زندگی	عینی	
D1, L12	رشد شهرنشینی		
C9	رواج پول‌پرستی		
I32	رواج فحشا		
A5	سیاست‌زده شدن دین		
I29, M10	کاهش شادی و نشاط در جامعه		
F7	گسست بین‌نسلی		
B6	محوریت رقابت در عصر حاضر		

جدول ۵. عوامل اقتصادی افول سرمایه اجتماعی

نشانیگان مصاحبه	کد	تم فرعی	تم اصلی	
C16	تقویت روحیه سودگرایانه در جامعه	سیستمی	عوامل اقتصادی	
E5	رکود اقتصادی			
E18, K7	اوضاع بد اقتصادی			
I8	افزایش اختلاس			
I9	افزایش رشوه‌گیری			
I10, K6	توزیع ناعادلانه ثروت			
I11	انحصار قدرت اقتصادی در دولت و نهادهای شبه‌دولتی			
I14	بی‌ثباتی اقتصاد جهانی			
I15	تغییرات پی‌درپی نرخ طلا، ارز، نفت			
I16, K8	افزایش بیکاری			
I17	بی‌توجهی به تولید داخلی			
A6, D3, B7	تأمین نشدن حداقل‌های معیشتی			فردی
E8, I13, G4	افزایش فقر			
E17	کاهش امید به زندگی			
I12	نبود احساس امنیت اقتصادی			

جدول ۶. عوامل سیاسی افول سرمایه اجتماعی

نشانیگان مصاحبه	کد	تم فرعی	تم اصلی
B10	تنش سیاسی	سیستم سیاسی	سیاسی
B11	افزایش فاصله قدرت		
B13	سیاست‌زده شدن اداره		
B14	عملکرد نامناسب در مدیریت بحران		
B16	افزایش زدوبند سیاسی		
F1	گسترش فساد		
F3	بزرگی دولت		
G1	سوء عملکرد دولت		
G2, L5	افزایش اختلاس		
I1	نبود شایسته‌سالاری		
I2, L4	سیستم قضایی ناکارآمد		

ادامه جدول ۶. عوامل سیاسی افول سرمایه اجتماعی

نشانیگان مصاحبه	کد	تم فرعی	تم اصلی
I3	ناهماهنگی بین قوا		
I5	ظهور پوپولیسم		
I6, L1	امنیتی کردن جامعه		
I7	ضعف در سیستم قانون گذاری		
B8, H2	رفتار مسئولین		
B12	آینده نگرنی بودن مسئولان		
C12, C5, H1, B9, J3, L7	ضعف در عملکرد مدیران		
C13	افزایش ریاکاری در مدیران		
C14	افزایش روحیه اشرافی گری مدیران		
D2	صداقت نداشتن سیاستمداران		
E2, C6	فساد مالی مدیران	مدیران و مسئولین	
E3	فساد اخلاقی مدیران		
E15, M2, I4	محقق نشدن وعده های سیاسیون		
E16	افشاگری رجال علیه همدیگر		
F2	ناکارآمدی سیاستمداران		
F4, M1	افزایش بی اعتمادی به سیاستمداران		
G3	مقاومت در برابر تغییر		

جدول ۷. عوامل فناورانه افول سرمایه اجتماعی

نشانیگان مصاحبه	کد	تم فرعی	تم اصلی
A4, I34, L7	کاربرد غلط فناوری اطلاعات		
C17	ضعف در مدیریت فناوری	کنشگران	
C18, M6	جابه جایی هدف و وسیله در به کارگیری فناوری		
B5	ضد همکاری گونه بودن فناوری های نوین		
C19, G6	سست (سطحی) شدن ارتباطات		فناورانه
D4	تسهیل شدن ارتباطات غیر حضوری		
E11	محتوای نامناسب فضای مجازی	ماهیت	
E12, M7	شکسته شدن حریم خصوصی در فضای مجازی		
I35	ایجاد فضای شایعه آلود		
I36	سوگیری سیاسی رسانه ها		

عوامل طبقه‌بندی‌شده، در قالب شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. طبقه‌بندی عوامل افول سرمایه اجتماعی

نتیجه‌گیری

در واکاوی افول سرمایه اجتماعی، گستره‌ای از عوامل وجود دارند که شایان توجه‌اند. شناسایی و نظم‌دادن به این عوامل در قالب یک چارچوب، از ملاحظات خاصی برخوردار است. در انتخاب این چارچوب باید شرایطی فراهم شود تا بتوان همه عوامل را پوشش داد. بدین منظور از مدل PEST بهره گرفته شده است. مدل PEST در عین ساده‌بودن، پوششی مناسب برای عوامل شناسایی شده فراهم می‌کند. بنابراین، مدل یادشده به‌عنوان هسته اصلی طبقه‌بندی در نظر گرفته شده است. در طبقه‌بندی عوامل، این مسئله وجود دارد که برخی عوامل را نتوان به‌طور کامل و دقیق به طبقه خاصی اختصاص داد. برای مثال، احساس بی‌عدالتی عاملی اجتماعی در نظر گرفته شده است و همزمان این عامل می‌تواند ذیل عوامل اقتصادی نیز تعریف شود. دلیل این اتفاق به ماهیت علوم انسانی برمی‌گردد؛ ویژگی‌هایی مانند پیچیدگی، درهم‌تنیدگی، تفکیک‌ناپذیری و پیش‌بینی‌ناپذیری با علوم انسانی عجین شده است و این ویژگی‌ها همواره به‌عنوان محدودیت، پیش‌روی محققان این حوزه قرار دارد. نکته مهم دیگر آنکه در چارچوب ارائه‌شده، فقط اثر مستقیم عوامل بر افول سرمایه اجتماعی مد نظر بوده است و با آنکه آثار غیرمستقیم انکارنشده‌اند

بوده، انعکاس آن‌ها در این چارچوب امکان‌پذیر نیست. بدین منظور باید تحقیقی مجزا انجام گیرد. طبق آنچه در جدول‌های بخش یافته‌ها نمایش داده شد، با تحلیل‌های اولیه و شناسایی کدها، عوامل اجتماعی با ۶۹ کد، پربسامدترین عوامل در نظر گرفته شده است که می‌تواند بدین معنا باشد که به زعم پاسخ‌گویان، عوامل اجتماعی بیشترین سهم را در افول سرمایه اجتماعی داشته‌اند. عوامل سیاسی نیز با ۴۴ کد اولیه، در رتبه دوم قرار دارند. می‌توان گفت عوامل اجتماعی نزدیک‌ترین عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی بوده و سایر عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری آن‌ها بوده‌اند. البته در مدل نهایی، همه عوامل در یک رده قرار داشته و تقدم و تأخری برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. درباره بررسی ورای طبقه‌بندی نیز باید گفت، به زعم مصاحبه‌شوندگان، «افزایش فردگرایی» با هفت تکرار و «ضعف در عملکرد مدیران» با شش تکرار، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شوند. در مقایسه یافته این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، برخی تشابه‌ها و افتراق‌ها وجود دارد. انتخاب عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به‌عنوان ابعاد مدل ارائه‌شده، در پژوهش‌های قبل نیز مسبق به سابقه بوده است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵؛ Domenichini, 2007). در پژوهش حاضر عوامل فناورانه نیز به‌عنوان بعدی جدید در نظر گرفته شده است. در پژوهش دینی ترکمانی (۱۳۸۵) از نحوه تعامل بین عوامل سه‌گانه، به تبیین افول سرمایه اجتماعی پرداخته شده در صورتی که در پژوهش حاضر، ریز عوامل هر یک از ابعاد، شناسایی شده است. علاوه بر این، در پژوهش دومینیچینی (۲۰۰۷) عوامل اقتصادی به‌عنوان محور در نظر گرفته شده‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر برای هیچ‌یک از عوامل، محوریت خاصی در نظر گرفته نشده است. در این پژوهش سعی شده است با نگاهی جامع، به شناسایی حداکثری عوامل مؤثر بر افول سرمایه اجتماعی پرداخته شود، اما رویکردی که در برخی پژوهش‌های دیگر در پیش گرفته شده، تمرکز بر عواملی خاص برای تبیین افول بوده است. اولکن (۲۰۰۹) به نقش تلویزیون و رادیو توجه کرده است؛ کلارک (۲۰۱۵) تغییرات نسلی را عامل افول معرفی کرده؛ براتولینی و ساراچینو (۲۰۱۵) نیز گرایش به اندیشه‌های ماتریالیستی را به‌عنوان عامل اثرگذار بر افول، بیان کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش در سطحی بالاتر قرار داشته و هر یک از موارد یادشده

می‌تواند به‌عنوان ریز عامل در این پژوهش قید شوند. ریز عواملی که تعداد آن‌ها به ۹۴ رسیده است و همین نشان‌دهنده گستره یافته‌ها است. عوامل چهارگانه (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناورانه) شناسایی شده در این پژوهش فقط به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند، پژوهشگران بعدی می‌توانند ضمن تعریف سایر نقش‌ها به این عوامل، در قالب مدل‌های کمی، به تبیین افول سرمایه اجتماعی بپردازند.

منابع و مأخذ

۱. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۴). گزارش اجرای طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور. فصلنامه نمایه پژوهش، سال اول، شماره ۲، صفحات ۱۰-۷.
۲. دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳، صفحات ۱۷۱-۱۴۷.
۳. رنانی، محسن، و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران. تهران: طرح نو.
۴. زارعی متین، حسن، قنبری، علی‌اکبر، و قانع، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش عاطفی و سرمایه اجتماعی در تشکلهای مردم‌نهاد. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۷۴-۶۱.
۵. عباس‌زاده، هادی، و کرمی، کامران (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، صفحات ۳۱-۵۸.
۶. عبدالمهی، محمد، و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۵، صفحات ۲۳۳-۱۹۵.
7. Baker, W. (1990). Market networks and corporate behaviour. *American Journal of Sociology*, 96(3), 589-625.
8. Bartolini, S., & Sarracino, F. (2015). The dark side of Chinese growth: Declining social capital and well-being in times of economic boom. *World Development*, 74, 333-351.
9. Belliveau, M. A., O'Reilly, C. A., & Wade, J. B. (1996). Social capital at the top: Effects of social similarity and status on CEO Compensation. *Academy of Management Journal*, 39(6), 1568 – 1593.
10. Bourdieu, P. (1986). The forms of Capital, *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Published under the direction of J.G. Richardson, New York: Greenwood Press.
11. Burt, R. S. (1992). *Structural holes: The social structure of competition*. Cambridge: Harvard University Press.
12. Clark, A. K. (2015). Rethinking the Decline in Social Capital. *American Politics Research*, 43(4), 569- 601.

13. Coleman, J. C. (1990). *Foundation of social theory*. Cambridge: Harvard University Press.
14. Coleman, J. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
15. Costa, D., & Kahn, M. (2003). Understanding the decline in social capital, 1952-1998. *Kyklos*, 56, 17-46.
16. Domenichini, E. C. (2007). Social capital in contemporary society : decline or change. *Theses, Dissertations, and Projects* Paper 1311. <https://scholarworks.smith.edu/theses/1311>
17. Durkheim, E. (1998). *The division of labor in society*. New York: Free Press.
18. Fukuyama, F. (1996). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. New York: Free Press Paperbacks.
19. Judson H. L. (1920). *The community center*. Boston: Silver.
20. Legatum, I. (2017). The Legatum prosperity index. Available at <http://www.prosperity.com/rankings>.
21. Marx, K. (1967). *Capital*. Vol.1, New York: International Publishers.
22. Olken, B. A. (2009). Do television and radio destroy social capital? Evidence from Indonesian villages. *American Economic Journal: Applied Economics*, 1(4), 1-33.
23. Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment. *American Journal of Sociology*, 105(1), 88-127.
24. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Culture and Politics*, 223-234.
25. Turcotte, M. (2015). Trends in social capital in Canada (Catalogue no. 89-652-X2015002). Spotlight on Canadians: Results from the general social survey, Available Retrieved from the Statistics Canada website: <http://www.statcan.gc.ca/pub/89-652-x/89-652-x2015002-eng.pdf>.